

دانشگاه باقر العلوم (علیه السلام)
دانشکده معارف ، فلسفه و کلام اسلامی
پایان نامه جهت اخذ درجه کارشناسی ارشد
رشته: فلسفه و کلام اسلامی

عنوان:
رابطه نفس و بدن از دیدگاه ملاصدرا
و
دوگانه انگاری جوهری – وصفی فلسفه ذهن

استاد راهنما:
دکتر علی رضا قائمی نیا

استاد مشاور:
حجت الاسلام والمسلمین حسن معلمی

نگارش:
محمود شکری

شهریور ۱۳۸۹

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

تقديم به:

محضر آقا بقيه الله الاعظم (عج) روحى و ارواح العالمين له الفداء

تقدیر و تشکر:

با تشکر از استاد محترم آقای دکتر علیرضا قائمی نیا و استاد مشاور آقای حسن معلمی که با راهنمایی‌ها و تذکرات سودمندشان این جانب را در تدوین پژوهش حاضر یاری فرمودند. و همچنین با تشکر از استاد عبدالرسول عبودیت که اثر منتشر نشده خود را در اختیار این جانب قرار دادند.

چکیده:

رابطه نفس و بدن از دیدگاه ملاصدرا و دوگانه انگاری جوهری و وصفی فلسفه ذهن موضوع نوشتار حاضر است که از چهار فصل تشکیل شده است. در فصل اول پس از بررسی سیر تاریخی بحث و تبیین مفاهیم، مبانی هر یک از سه دیدگاه به صورت اجمال، بیان شده و مورد بررسی قرار گرفته است. فصل دوم به بررسی رابطه نفس و بدن از دیدگاه ملاصدرا اختصاص دارد. در این فصل نخست به خود رابطه نفس و بدن از دیدگاه ملاصدرا پرداخته و سپس نظر او درباره رابطه نفس و بدن در احوال بررسی شده است. ملاصدرا بر مبنای حدوث جسمانی نفس و حرکت جوهری آن، رابطه خود نفس و بدن را اتحادی دانسته و بر همین اساس نیز انسان را حقیقتی ذو مراتب معرفی می‌کند. به اعتقاد ملاصدرا، تاثیر متقابل نفس و بدن نیز ریشه در همین رابطه اتحادی آن دو دارد. زیرا که طبق رابطه اتحادی، این دو جوهر از هم جدا نیستند بلکه هر کدام جنبه‌ای از یک حقیقت واحد، یعنی انسان، به حساب می‌آیند. بنابراین هرگونه حادثه‌ای که در یکی از این دو اتفاق بیافتد به دیگری نیز سرایت کرده و آن را متاثر می‌کند. فصل سوم به بررسی رابطه نفس و بدن از دیدگاه دو گانه انگاری جوهری و وصفی اختصاص یافته است. در این خصوص اولین دیدگاه از دکارت می‌باشد که قائل به تاثیر و تاثر متقابل نفس و بدن است. پیروان او از جمله مالبرانش و لایب نیتس، با نفی علیت در میان مخلوقات به مخالفت با دکارت برخاسته و خود دیدگاه دیگری ارائه داده اند. مالبرانش اصالت موقعی و لایب نیتس اصالت توازی را برگزیده است. هر یک از این سه دیدگاه با مشکلات اساسی مواجه است و در این فصل به آنها پرداخته شده است. سوین برن، فیلسوف معاصر، با یک روش کلامی، تلاش کرده است که مشکل دو گانه انگاری جوهری را حل کند اما به نظر می‌رسد که این دیدگاه نیز به اندازه دیدگاه‌های قبلی از حل این مشکل عاجز مانده است. به نظر می‌رسد که مشکل اصلی دوگانه انگاران جوهری در این است که نفس را از اول موجودی کاملاً روحانی می‌پندارند که به جنین انسان تعلق می‌گیرد؛ بر خلاف ملا صدرا که نفس را حدوداً جسمانی می‌داند و معتقد است که نفس محصول جسم بوده و از طریق تکامل جسم بوجود می‌آید. به همین خاطر، او به شکل معقولی رابطه نفس و بدن را به تصویر می‌کشد. بخش دوم فصل سوم دیدگاه دوگانه انگاری وصفی را بررسی می‌کند. شبه پدیدار گرایی، یگانه انگاری غیر قانون مند و طبیعت گرایی زیست شناختی دیدگاه‌های مختلف دو گانه انگاری وصفی است که در این بخش مورد نقد و بررسی قرار می‌گیرند. ادعای مشترک این دیدگاه‌ها آن است که انسان صرفاً موجودی جسمانی است که غیر از ویژگی‌های فیزیکی دارای ویژگی‌های ذهنی نیز می‌باشد. در فصل چهارم هر یک از این دیدگاه‌ها با دیدگاه ملاصدرا تطبیق و مقایسه شده و بر اساس مبانی او مورد نقد و انتقاد قرار گرفته اند.

واژگان کلیدی: نفس، بدن، دوگانه انگاری جوهری، دوگانه انگاری وصفی.

فهرست مطالب

مقدمه: طرح تحقیق	۱
۱. بیان مسئله	۱
۲. علت انتخاب موضوع اهمیت و فائده آن	۲
۳. سابقه پژوهش	۲
۴. سئوال اصلی پژوهش	۲
۵. فرضیه‌های پژوهش	۲
۶. سوالات فرعی پژوهش	۲
۷. پیش فرضهای پژوهش	۳
۸. اهداف پژوهش	۴
۹. روش پژوهش	۴
۱۰. روش گردآوری اطلاعات و داده‌ها	۴
۱۱. روش تجزیه و تحلیل اطلاعات و داده‌ها	۴

فصل اول : مفاهیم و کلیات

۱-۱. سیر تاریخی بحث	۶
۱-۱-۱. سیر تاریخی بحث در فلسفه غرب	۶
۱-۱-۲. سیر تاریخی بحث در فلسفه اسلامی	۱۴
۲-۱. مفاهیم	۱۸
۲-۱-۱. نفس	۱۸
۲-۲-۱. بدن	۲۰
۲-۲-۲. ذهن	۲۱
۲-۲-۳. دوگانه‌انگاری جوهری و وصفی	۲۲
۲-۲-۴. فلسفه ذهن	۲۳
۳-۱. مبانی	۲۴

۲۴ مبانی فلسفی ملاصدرا.....
۲۴ اصالت وجود.....
۲۶ تشکیک در وجود.....
۲۷ حرکت جوهری.....
۲۸ مبانی فلسفی دوگانه‌انگاران جوهری.....
۲۸ شک روشی.....
۳۰ تلقی خاص از اصل علیت.....
۳۲ مبانی دوگانه‌انگاران وصفی.....

فصل دوم: رابطه نفس و بدن از دیدگاه ملا صدرا

۳۶ ۱-۱-۱. رابطه نفس و بدن (در مقام ذات)
۳۷ ۱-۱-۲. حدوث جسمانی نفس.....
۴۲ ۲-۱-۲. حرکت جوهری اشتدادی نفس از حدوث جسمانی تا بقاء روحانی.....
۴۶ ۱-۲-۱-۲. مراحل نفس انسان بر مبنای حرکت جوهری اشتدادی.....
۴۹ ۲-۲-۱-۲. نحوه تعلق نفس به بدن بر مبنای حرکت جوهری نفس.....
۵۱ ۳-۱-۲. نفسیت نفس.....
۵۵ ۱-۳-۱-۲. مندرج نبودن نفس در مقوله اضافه.....
۵۶ ۲-۳-۱-۲. فساد کون تعلقی نفس با فساد بدن.....
۵۸ ۴-۱-۲. رابطه علی و معلولی نفس و بدن.....
۶۱ ۵-۱-۲. رابطه اتحادی نفس و بدن.....
۶۳ ۱-۵-۱-۲. تبیین رابطه اتحادی نفس و بدن بر مبنای حرکت جوهری اشتدادی.....
۶۵ ۲-۵-۱-۲. طبق رابطه اتحادی، بدن مرتبه نازله نفس است.....
۶۷ ۶-۱-۲. انسان، حقیقتی ذومراتب.....
۷۴ ۲-۲. رابطه نفس و بدن در مقام افعال و حالات.....
۷۵ ۱-۲-۲. تعدد قوا به جای تعدد نفوس.....
۷۶ ۲-۲-۲. رابطه نفس و قوا.....
۷۹ ۳-۲-۲. تاثیر بدن در قوای ادراکی نفس.....
۸۲ ۴-۲-۲. تاثیر بدن از قوای ادراکی و تحریکی نفس.....
۸۴ ۵-۲-۲. تاثیر حالات نفسانی در بدن.....
۸۶ ۶-۲-۲. ملاصدرا و روح بخاری.....

فصل سوم: رابطه نفس و بدن از دیدگاه دوگانه‌انگاری جوهری و وصفی

۹۱ ۱-۳. مقدمه.....
۹۲ ۲-۳. رابطه نفس و بدن از دیدگاه دوگانه‌انگاران جوهری.....
۹۲ ۱-۲-۳. استدلال‌های دوگانه‌انگاران بر ثنویت نفس و بدن.....

- ۹۲..... ۱-۱-۲-۳ استدلالات افلاطون.....
- ۹۳..... ۲-۱-۲-۳ استدلالات دکارت.....
- ۹۶..... ۳-۱-۲-۳ استدلالات سوین برن.....
- ۹۷..... ۲-۲-۲ راه حل دوگانه انگاران برحل مشکل رابطه نفس و بدن.....
- ۹۷..... ۱-۲-۲-۳ دیدگاه دکارت.....
- ۹۸..... ۱-۱-۲-۲-۳ غده صنوبری.....
- ۹۹..... ۲-۱-۲-۲-۳ اتحاد نفس و بدن.....
- ۱۰۱..... ۲-۲-۲-۳ اصالت علت موقعی.....
- ۱۰۳..... ۱-۲-۲-۲-۳ استدلالات بر اصالت علت موقعی.....
- ۱۰۶..... ۲-۲-۲-۲-۳ نقد دیدگاه اصالت علت موقعی.....
- ۱۰۷..... ۳-۲-۲-۳ اصالت توازی.....
- ۱۰۷..... ۱-۳-۲-۲-۳ نظریه مونا لایب نیس.....
- ۱۰۹..... ۲-۳-۲-۲-۳ حقیقت نفس و بدن و نسبت هر یک به دیگری.....
- ۱۱۱..... ۳-۳-۲-۲-۳ نفی تاثیر و تاثیر میان نفس و بدن.....
- ۱۱۳..... ۴-۳-۲-۲-۳ هماهنگی پیشین بنیاد میان نفس و بدن.....
- ۱۱۴..... ۵-۳-۲-۲-۳ نقد دیدگاه اصالت توازی.....
- ۱۱۵..... ۴-۲-۲-۳ راه حل کلامی معاصر.....
- ۱۱۷..... ۳-۳ رابطه نفس و بدن از دیدگاه دوگانه انگاران وصفی.....
- ۱۲۰..... ۱-۳-۳ مبنای دوگانه انگاران و معنی در عدم تحویل امور ذهنی به فیزیکی.....
- ۱۲۱..... ۱-۱-۳-۳ حیث التفاتی.....
- ۱۲۴..... ۲-۱-۳-۳ کیفیات ذهنی.....
- ۱۲۴..... ۳-۱-۳-۳ خصوصی بودن حالات ذهنی.....
- ۱۲۶..... ۲-۳-۳ شبهه پدیدار گرایی.....
- ۱۲۷..... ۱-۲-۳-۳ استدلالات بر شبهه پدیدار گرایی.....
- ۱۲۸..... ۲-۲-۳-۳ نقد دیدگاه شبهه پدیدار گرایی.....
- ۱۳۰..... ۳-۳-۳ یگانه انگاری غیر قانون مند.....
- ۱۳۴..... ۴-۳-۳ طبیعت گرایی زیست شناختی.....
- ۱۳۵..... ۱-۴-۳-۳ پدیده‌های ذهنی معلول فرایندهای مغزی اند.....
- ۱۳۶..... ۲-۴-۳-۳ پدیده‌های ذهنی ، ویژگی‌های مغزند.....
- ۱۳۸..... ۳-۴-۳-۳ نقد طبیعت گرایی زیست شناختی.....

فصل چهارم: مقایسه و تطبیق

- ۱۴۱..... ۱-۴ مقایسه بین دیدگاه ملاصدرا و دوگانه انگاری جوهری.....
- ۱۴۱..... ۱-۱-۴ جوهریت نفس.....
- ۱۴۳..... ۲-۱-۴ تجرد نفس.....
- ۱۴۵..... ۳-۱-۴ عدم فعلیت و تجرد نفس در مقام حدوث.....

۱۴۶.....	۴-۱-۴. اتحاد نفس و بدن و نحوه ترکیب آن دو
۱۴۸.....	۴-۱-۵. دوگانگی نفس و بدن.....
۱۵۰.....	۴-۱-۶. رابطه نفس و بدن.....
۱۵۰.....	۴-۱-۶-۱. ملاصدرا و دیدگاه دکارت.....
۱۵۱.....	۴-۱-۶-۲. ملاصدرا و اصالت علت موقعی
۱۵۳.....	۴-۱-۶-۳. ملاصدرا و اصالت توازی
۱۵۴.....	۴-۲. مقایسه بین دیدگاه ملاصدرا و دوگانه انگاری وصفی
۱۵۴.....	۴-۲-۱. وجه اشتراک ملاصدرا و دوگانه انگاری وصفی
۱۵۹.....	۴-۲-۲. نقد دوگانه انگاری وصفی بر اساس دیدگاه ملاصدرا.....
۱۶۰.....	۴-۲-۲-۱. نفی علیت فاعلی مغز، نسبت به امور ذهنی
۱۶۲.....	۴-۲-۲-۲. فقدان آگاهی در اجسام.....
۱۶۳.....	نتیجه گیری و مرور.....
۱۶۶.....	فهرست منابع.....

مقدمه: طرح تحقیق

۱. بیان مسئله

مسئله نفس و بدن و رابطه آن دو از مهم‌ترین مباحثی است که هم در فلسفه اسلامی و هم در فلسفه غرب مورد توجه جدی فیلسوفان قرار گرفته است. در فلسفه ذهن که از شاخه‌های فلسفه تحلیلی است دیدگاه‌های متعددی در این مسئله وجود دارد که از میان آنها دو دیدگاه دوگانه انگاری جوهری و وصفی مورد توجه ماست. دوگانه انگاران جوهری که به دوگانگی نفس و بدن قائل‌اند، رابطه نفس و بدن را رابطه مجرد و مادی می‌دانند که برای تبیین این رابطه راه‌های مختلفی از سوی آنها ارائه شده است. اما دوگانه‌انگاران وصفی، چون رابطه مجرد و مادی را معقول نمی‌دانند جوهر مجردی به نام نفس (ذهن) را حذف می‌کنند و به جای دوگانگی نفس و بدن به دوگانگی ویژگی‌ها قائل می‌شوند. در واقع، دوگانه‌انگاران وصفی، تنها وجود جوهر فیزیکی (بدن) را قبول دارند که دارای دو نوع ویژگی است: ذهنی و فیزیکی.

در فلسفه اسلامی هم دیدگاه‌های متعددی در این مسئله وجود دارد که از میان آنها به دیدگاه ملاصدرا خواهیم پرداخت. ملاصدرا بر خلاف فیلسوفان قبل از خود، همچون ابن سینا و شیخ اشراق که نفس را روحانی‌الحدوث می‌پنداشتند، آن را جسمانی‌الحدوث می‌داند. بدین معنا که نفس از جسم حادث می‌شود و مراحل تحول جسم است که تبدیل به نفس می‌شود و به تعبیر شهید مطهری مبدأ تکون نفس ماده جسمانی است. ماده این استعداد را دارد که در دامن خود موجودی بی‌پروا را که با ماوراءالطبیعه هم‌افق باشد. طبق این مبنا بین طبیعت و ماوراءطبیعت و بین نفس و بدن حائلی نخواهد بود. و رابطه این دو، رابطه درجه شدید و کامل یک شی است با درجه ضعیف و ناقص آن. و

به تعبیر خود ملاصدرا نفس یک موجود ذو مراتب است که بدن مرتبه پائین تر آن می‌باشد.

۲. علت انتخاب موضوع اهمیت و فائده آن

پرداختن به بحث‌های تطبیقی میان فلسفه اسلامی و فلسفه غرب، امروزه یکی از ضرورت‌ها محسوب می‌گردد زیرا که این دو در خیلی از مسائل با هم مشترک‌اند که از جمله آنها مسئله نفس و بدن است. هر چند که این مسئله در همه اعصار بین فیلسوفان غربی مطرح بوده است اما در هیچ زمانی به اندازه زمان معاصر مورد توجه فیلسوفان مغرب زمین نبوده است. فیلسوفان ذهن امروز، علیرغم تلاش‌های زیادی که در حل این مسئله داشته‌اند، نتوانسته‌اند نظریه معقولی در این زمینه ارائه دهند. به نظر می‌رسد که نظریه ملاصدرا در این خصوص، بهتر از هر نظریه‌ای است که تا به حال، چه از طرف فیلسوفان غربی و چه از طرف فیلسوفان اسلامی ارائه شده است. از همین رو شناساندن این نظریه برای فیلسوفان ذهن امروز باید مورد توجه پژوهشگران فلسفی باشد. لذا این جانب بر آن شدم که با راهنمایی اساتید محترم گامی هر چند کوچک جهت تحقق این هدف بردارم.

۳. سابقه پژوهش

طبق تحقیقاتی که به عمل آمد اثر مستقلی با این عنوان یافت نشد. اگر چه راجع به این موضوع از نظر ملاصدرا و دیگر فلاسفه غرب، کم‌وبیش آثاری یافت می‌شود اما کتاب یا پایان‌نامه و حتی مقاله‌ای با این عنوان تدوین نشده است.

۴. سنووال اصلی پژوهش

رابطه نفس و بدن از دیدگاه ملاصدرا و دوگانه‌انگاران جوهری و وصفی به چه نحو است؟

۵. سوالات فرعی پژوهش

۱. رابطه خود نفس و بدن از دیدگاه ملاصدرا چه نوع رابطه‌ای است؟
۲. به اعتقاد ملاصدرا رابطه نفس و بدن در مقام افعال و احوال چه نوع رابطه‌ای است؟
۳. دلایل دوگانه‌انگاران جوهری برای اثبات ثنویت نفس و بدن چیست؟
۴. راه حل دوگانه‌انگاران جوهری برای حل مشکل رابطه نفس و بدن چیست؟
۵. دوگانه‌انگاران وصفی بر چه مبنایی امور ذهنی را قابل تحویل به امور فیزیکی نمی‌دانند؟
۶. راه حل دوگانه‌انگاران ذهنی برای حل مشکل نفس و بدن چیست؟

۶. فرضیه‌های پژوهش

۱. ملاصدرا در بعضی موارد رابطه نفس و بدن را اتحادی و در بعضی موارد بدن را مرتبه نازله نفس می‌داند.
۲. برخی از دوگانه‌انگاران جوهری، مثل دکارت رابطه نفس و بدن را تاثیر و تاثر متقابل می‌دانند و برخی نیز مثل مالبرانش ولایب نیس چنین رابطه‌ای را نفی می‌کنند. مالبرانش رابطه نفس و بدن را بر اساس علت موقعی و ولایب نیس آن را بر اساس اصالت توازی تبیین می‌کند.
۳. یگانه‌انگاری غیر قانون مند و طبیعت‌گرایی زیست‌شناختی، حالات ذهنی را از حیث علی کار آمد می‌دانند اما شبه‌پدیدار‌گرایی، حالات ذهنی را از حیث علی خنثی می‌داند و تنها علیت امور فیزیکی به امور ذهنی را قبول دارد.

۷. پیش‌فرضهای پژوهش

۱. ملاصدرا علاوه بر حرکت عرضی به حرکت جوهری هم قائل است.

۲. دوگانه‌انگاران جوهری امور ذهنی را متفاوت از امور فیزیکی می‌دانند و بر همین اساس دو ظرف متفاوت برای هر دو قائل‌اند.

۳. از دیدگاه دوگانه‌انگاران وصفی امور ذهنی قابل تحویل به امور فیزیکی نیست اما از نظر آنان قائل شدن به جوهر ذهنی به عنوان ظرف امور ذهنی، دیدگاه معقولی نمی‌باشد.

۸. اهداف پژوهش

۱. تبیین دیدگاه ملاصدرا درباره نفس و بدن و رابطه آن دو.
- ۲- تبیین دیدگاه دوگانه‌انگاری جوهری- وصفی فلسفه ذهن درباره نفس و بدن و رابطه آن دو.
۳. مقایسه دو دیدگاه دوگانه‌انگاری جوهری و وصفی با دیدگاه ملاصدرا.

۹. روش پژوهش

نوع روش پژوهش: توصیفی

۱۰. روش گردآوری اطلاعات و داده‌ها

گردآوری اطلاعات بر اساس مطالعات کتابخانه‌ای بوده است.

۱۱. روش تجزیه و تحلیل اطلاعات و داده‌ها

اطلاعات و داده‌ها به روش عقلی تجزیه و تحلیل گردیده است.

فصل اول :

مفاهيم و کلیات

۱-۱. سیر تاریخی بحث

۱-۱-۱. سیر تاریخی بحث در فلسفه غرب

نخستین فیلسوفان غربی که سخن از وجود نفس به میان آورده اند، یونانیانی هستند که از اهالی ایونیا^۱ بودند.^۲ البته بحث از نفس و تمایز آن از بدن، به شیوه ای که فلاسفه بعدی آن را دنبال کردند، برای این عده از فلاسفه مطرح نبود،^۳ بلکه آنچه برای آنها مهم بود تعیین ماده‌المواد و اصل اشیا بوده است. آنها، غالباً بر مبنا همین نظر برای انسان نیز، ورای جسم ظاهری اش اصلی تعیین کرده و همان را بمنزله نفس او قلمداد می‌کردند. اولین فیلسوف ایونی طالس^۴ است که معتقد بود همه اشیا، از جمله انسان دارای نیروهای نامرئی هستند که آنها را به جنبش و حرکت در می‌آورد.^۵ طالس تصریح نکرده است که این نیروی نامرئی در انسان همان

1- Ionia

۲- فردریک کاپلستون، تاریخ فلسفه، ج ۱، ترجمه جلال‌الدین مجتبوی، چاپ سوم، تهران، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی و انتشارات سروش، ۱۳۷۵ ش، ص ۲۱.

۳- همان، ص ۳۱.

4- Tales

۵- ارسطو، درباره نفس، ترجمه علیمرادى داوودى، چاپ دوم، تهران، انتشارات حکمت، ۱۳۶۶ ش، ص ۲۳.

نفس اوست اما فیلسوف بعدی یعنی آناکسمینس^۱ تصریح کرده است نیروی نامرئی که در انسان وجود دارد همان هواست که نفس او می‌باشد.^۲ فیلسوف بعدی و آخرین فیلسوف ایونی هراکلیتوس است او بر این اساس که اصل اشیا را آتش می‌دانست، معتقد بود نفس انسان نیز شعله ای از آتش ازلی و شراره ای از آتش علوی است.^۳

از دیگر فیلسوفان نخستین که درباره نفس اظهار عقیده کرده‌اند، فیثاغورث^۴ و پیروان اوست. عقاید فیثاغورثیان درباره نفس، به صورتهای مختلفی گزارش شده است اما فلوطین این‌طور نقل کرده است:

«فیثاغورث و پیروانش بر آن بودند که نفس چیزی است همچون هماهنگی چنگ. هم‌چنین که با موزون شدن سیم‌های چنگ، چیزی پدید می‌آید که هماهنگی نامیده می‌شود، در تن ما نیز وقتی عناصر مختلف به نحو خاص به هم می‌آمیزند این آمیزش سبب پیدایی زندگی و روح می‌گردد و بنابراین روح چیزی دیگر نیست جز حالت ناشی از آن آمیزش.»^۵

پارمیندس^۶ یکی دیگر از فیلسوفان مشهور آن روزگار، درباره

نفس، این‌چنین گفته است:

1 - Anaximenes

۲- دلبلیو. کی. سی. گاتری، تاریخ فلسفه یونان، ج ۲، ترجمه مهدی قوام صفری، تهران، انتشارات فکر روز، ۱۳۷۵، ص ۱۳۲.

۳- حناالفخوری-خلیل الجر، تاریخ فلسفه در جهان اسلامی، ترجمه عبدالمحمد آیتی، چاپ چهارم، تهران، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۷۳ ش، ص ۳۲.

4-Phthagoras .

۵- فلوطین، دوره آثار فلوطین، ج ۱، ترجمه محمد حسن لطفی، تهران، شرکت سهامی انتشارات خوارزمی، ۱۳۶۶، ص ۶۲۷.

6-Parmenides .

«نفس از آن حیث که اصل حیات است، ترکیب متعادلی از حرارت و برودت است و چون این ترکیب به نسبت‌های مختلف ممکن است حاصل شود خصائص نفسانی افراد اختلاف می‌پذیرد.»^۱

همان‌طور که می‌بینیم همه این فیلسوفان در تعیین نفس برای انسان اختلاف داشتند اما در مادی بودن آن اتفاق نظر داشتند. تنها فیلسوف آن عصر که تا حدودی از دیدگاه مادی‌گرایانه اسلاف خود درباره انسان و جهان فاصله گرفت، آناکساگوراس^۲ است. او اعتقاد داشت که نظام جهان مبدائی مفارق از جهان و عناصر آن دارد که آن عقل است. آناکساگوراس این عقل را با خدا یکی می‌دانست، و معتقد بود که در همه جا هست و همه جانداران اعم از نبات، حیوان و انسان زنده به آن است و همان است که آنها را به جنبش و حرکت وامی‌دارد.^۳

همان‌طور که اشاره شد، تمایز میان نفس و بدن، آن‌طور که بعداً مورد توجه فلاسفه واقع شد، مورد توجه فلاسفه نخستین نبود. به نظر می‌رسد اولین فیلسوفی که به‌طور صریح، میان نفس و بدن به تمایز قائل شد سقراط بود. البته اهتمام اصلی او بیشتر مصروف اخلاق بوده و فعالیت فلسفی‌اش هم بیشتر در راستای همین هدف بوده است. از همین رو، نفس را هم از حیث اخلاقی ملحوظ داشت و بر خلاف فیلسوفان قبلی که بدن‌بال یافتن مبدائی

۱- ارسطو، درباره نفس، پیشین، ص یج.

برای حرکات و حیات انسان بودند، بدن‌بال ذات واحد ثابت، وراء کیفیات و محسوسات متغیر می‌گشت که مبدأ معرفت و فعل انسان باشد. از نظر او مفاهیم کلی اخلاقی مثل عدالت، حقیقت، فضیلت، سعادت، خیر و جمال مبین چنین ذاتی در انسان است.^۱ او، این ذات را که همان نفس انسانی است این چنین تعریف می‌کند: «قوه‌ای است مدرک و مستقل از حواس که زمان گذرا را در آن تأثیری نیست.»^۲

سقراط نه تنها نفس را لایتغیر و مستقل از بدن می‌دانست بلکه معتقد بود که نفس قبل از بدن در عالم ثابت مثالی بوده و در آنجا با حقایق جاویدان الهی آشنا شده است.^۳

بنابراین، اینکه گفته می‌شود اعتقاد به تمایز میان نفس و بدن و موجود بودن نفس قبل از بدن، برای اولین بار توسط افلاطون مطرح شد، چندان معقول نیست. آری، افلاطون گفته‌های استاد خود را بسط و گسترش داده و آنها را به صورت یک نظام فکری سازمان یافته‌ای درآورد. در واقع شالوده افکار افلاطون، از جمله مجرد نفس و موجود بودن آن قبل از بدن را باید در افکار سقراط جستجو کرد. آنچه سقراط درباره نفس گفته بود شاگردش افلاطون، وضوح بیشتری به آن بخشید و آن را مستدل‌تر و متقن‌تر

۱- همان، ص کد.

۲- حنا الفاخوری - خلیل الجر، تاریخ فلسفه در جهان اسلامی، پیشین، ص ۴۱.

۳- همان.

کرد. او در «قوانین» نفس را به عنوان منشأ حرکت و فرمانروای بدن توصیف می‌کند و به پیروی از استاد خود تاکید می‌کند که نفس قبل از بدن موجود بوده است:

«نفس آغاز هر حرکتی است... نفس پیش از تن بوده در حالی که تن بعداً، یعنی پس از نفس، پیدا شده و نفس فرمانده است و بدن زیردست.»^۱

افلاطون این حاکمیت نفس را نسبت به بدن و خادم بودن بدن را نسبت به نفس، دلیل برتری نفس می‌داند و معتقد است که نفس به همین جهت، جنبه الهی داشته و فناپذیر، بسیط، ثابت و متفکر است:

۱- افلاطون، دوره کامل آثار افلاطون، ج ۴، ترجمه محمد حسن لطفی، چاپ دوم، تهران، شرکت سهامی انتشارات خوارزمی، ۱۳۶۷ش، ص ۲۳۵۷.

«تا دمی که نفس و بدن با هم اند بدن محکوم است به اینکه خدمت کند و فرمان برد در حالی که نفس سلطنت می‌کند و فرمان می‌راند...» [از این رو] نفس جنبه خدایی دارد و بدن جنبه فناپذیری... [پس نفس] جاویدان و بسیط و توانا به تفکر است و همواره همان می‌ماند که یکسان عمل می‌کند در حالی که بدن فناپذیر و موقت و از تفکر ناتوان است و هر روز به حالی دیگر در می‌آید.^۱

نظریه افلاطون صددرصد یک نظریه ثنوی است؛ زیرا نفس و بدن را دو جوهر جدا و مستقل از هم و علاقه بین آنها را عرضی و اعتباری و همانند علاقه و ارتباط مرغ با آشیانه و راکب با مرکوب، می‌داند. او هیچ علاقه جوهری و طبیعی که ناشی از وحدت و اتصال آنها باشد نمی‌شناسد. به خاطر وجود چنین مشکلی بود که این نظریه به وسیله ارسطو، شاگرد افلاطون درهم شکسته شد.^۲ ارسطو صرفاً به نقد نظریه استاد خود اکتفا نمود، بلکه تمام افکار فلاسفه پیشین در رابطه با نفس را در کتاب مستقلی با عنوان «درباره نفس» گردآوری کرده و آنها را نقد نمود. ارسطو بر اساس نظام فلسفی خود که بر «ماده» و «صورت» استوار است نظریه بدیعی درباره نفس و بدن ارائه داد. بدین صورت که نفس را صورت بدن و بدن را ماده نفس لحاظ کرد. از آنجا که وی، صورت اشیاء را کمال اول برای اشیاء قلمداد می‌کرد نفس را هم کمال اول برای اجسام ذی‌الحیات به حساب آورد. بر همین اساس او نفس را این چنین تعریف می‌کند:

«کمال اول برای جسم طبیعی که دارای حیات بالقوه است یعنی برای جسم آلی.»^۳

پس همان طور که بین صورت و کمال شی و بین ماده آن تمایز و دوگانگی وجود ندارد، بین نفس و بدن هم دوگانگی واقعی وجود ندارد، بلکه هر دو یک جوهر واحدی را تشکیل می‌دهند.

۱- همان، ج ۱، ص ۵۱۴.

۲- مرتضی مطهری، مجموعه آثار، ج ۱۳، چاپ هفتم، تهران انتشارات صدرا، ۱۳۸۲ ش، ص ۳۱.

۳- ارسطو، درباره نفس، پیشین، ص ۷۸.